

سفارش ناب پیامبر برای همین امروز

یا اِیاذرَا اِیَاسَکَ وَالسَّیُوفِ بِأَمَلِکَ، فَانْکَ بِنُومَکَ وَ لَسْتُ بِمَآ یَعْبُدُهُ، فَاِنْ یَکُنْ غَدَ لَکَ فَکُنْ فِی الْغَدِ کَمَا کُنْتُ فِی الْیَوْمِ، وَ اِنْ لَکَ یَکُنْ غَدَ لَکَ لَمْ تَنْتَهِ عَلَی مَا قَرَّطْتَ فِی الْیَوْمِ. ای ابوذر! مبادا به درازی آرزو، کارهای شایسته امروز را به تأخیر افکنی، زیرا که تو اکنون همین امروز را داری. اگر فردایی داشتی در آن نیز بمانند امروز باش، و اگر فردا نبود، شپیمان نخواهی بود که در امروز کوتاهی کرده‌ای.

پیامبر اعظم(ص)/ای ابوذر ابوطالب تجلیل تبریزی

انتشارات پیام آزادی – صفحه ۱۳

صدای خدا یا علی؟

پیامبر خدا(ص) فرمود: خداوند متعال در شب معراج با لهجه و صدای زیبای علی با من صحبت می‌کرد. پس گفتم: پروردگار!! آیا تویی یا من صحبت می‌کنی یا علی با من حرف می‌زند؟ خداوند متعال فرمود: ای محمد! تو از نور خود خلق کرده‌ام و علی را از نور تو. من از درون تو آگاهم و می‌دانم که علی محبوب قلب توست. پس من هم با صدای محبوبیت با تو صحبت کردم تا قابلیت اطمینان و آرامش پیدا کند.

محمدباقر مجلسی

بحار الانوار- جلد ۱۰۷، صفحه ۳۱

مبارزه پیامبر با پارتی‌بازی اشعار

در سال فتح مکه زنی مرتبک جرعی شده بود که باید مجازات می‌شد. اتفاقا این زن که نزدی کرده بود وابسته به یکی از خانواده‌های بزرگ و جزو اشراف تراز اول قریش بود. وقتی بنا شد حد دربار‌ه‌اش اجرا شود و دستش را قطع کنند، غریو از خاندان زن برخاست که: ای وای! این ننگ را چگونه تحمل کنیم؟ دسته جمعی به سراغ پیامبر رفتند و از او درخواست کردند که از مجازات زن صرف‌نظر کند. فرمود: هرگز صرف‌نظر نمی‌کنم. هرچه که واسطه و شفیع تراشیدند، پیامبر ترتیب اثر نداد. در عوض مردم را جمع کرد و به آنها گفت: می‌دانید چرا امت‌های گذشته هلاک شدند؟ دلایل این بود که در این گونه مسائل تبعیض روا داشتند. اگر مجرمی که دستگیر شده بود وابسته به یک خانواده بزرگ نبود و شفیع و واسطه نداشت او را زود مجازات می‌کردند، ولی اگر مجرم شفیع و واسطه داشت درباره او قاتلون کار نمی‌کرد. خدا به همین سبب چنین اقوامی را هلاک می‌کند. من هرگز حاضر نیستم در حق هیچ کس تبعیضی قائل شوم.

مرتضی مطهری / آینده انقلاب اسلامی ایران انتشارات صدرا – صفحات ۱۵۵ و ۱۵۶

مسجدی با یک آخوند دوست‌داشتنی!

– آخ گفتید قیدار خان! خیلی خوشم آمد. من که زیاد پام به مسجد باز نشده بود، پیش از شما اما از این آخوند خیلی خوشم آمد. نمازش کلا این قدر طول نکشید که لیلا‌ند را ببرم تا شوش و بفروشم. تو بعضی از این مسجدها، سر ۲ رکعت نماز، لیلا‌ند را می‌بری و می‌فروشی و بعد تبدیل به احسنش می‌کنی و خاور نو می‌گیری و می‌آیی گاراژ و بار می‌زنی و می‌روی غذاخوری خلیل و بعد هم می‌رسی به سینه‌کشی زالیان بروچردو. خالامه کلیمون تورا هه خراب می‌شود و می‌تپد تو گل و می‌شینی قپوخانه به اتول‌های دیگر بسپری که زنگ بزندند به گاراژ قیدار و هنوز رکعت اولی... قیدار شکمش بالا و پایین می‌ود. می‌زند روی ران صغدر.

– بس است دیگر. خدا خفتاد کند...

رضا امیرخانی/ قیدار نشر افق – صفحه ۹۲

اعتماد خدشه‌ناپذیر به آینده و خودکشی؟! ۳ مارس ۱۹۴۰: از نوع بیماری‌ام (فشار خون بالا و

بالارونده) بی می‌برم که به مرگی ناگهانی خواهم مرد و به احتمال قوی بر اثر خونریزی مغزی. این بهترین پایانی است که می‌توانم برای خود آرزو کنم.

ولی ممکن است اشتباه کنم (نمی‌خواهم کتاب‌های مربوط به این موضوع را بخوانم و بدیهی است که پزشک، حقیقت را به من نمی‌گوید)، ولی اگر فساد

شریان نبض، موجب علیل شدنم شود، به خود این حق را خواهم داد که زمان مرگ خویش را خود تعیین کنم. این «خودکشی» (اگر بتوان این لفظ

را درباره وضع من به کار برد) به هیچ‌وجه نشانه‌ای از یأس و ناامیدی نیست. ناتاشا و من بیش از یک بار درباره این مساله گفت‌وگو کرده‌ایم که ممکن است دچار حالاتی جسمانی شوم که کوتاه کردن زندگی، یا به عبارت بهتر «تسریع مرگ» را بجا جلوه دهد. ولی من، شرایط مرگم هرطور که باشد، باز هم با اعتمادی خدشه‌ناپذیر به آینده کمونیسم خواهم مرد. این اعتقاد به انسان و آینده‌او، اکنون به من نیروی مقاومتی می‌دهد که هیچ دینی آن را نمی‌توانست داد. آل تروتسکی

و می‌توانم، همه‌دارایی من پس از مرگم (حق تألیف برای کتاب‌ها و نوشته‌ها و مقالات و غیره)، به زلم ناتالیا اولوونوا

نالسورا تلقی می‌گیرد. آل تروتسکی – ۲۷ فوریه ۱۹۴۰

اگر هر دوی ما بمیریم: ابقیه صفحه نوشته نیست.]

لئو تروتسکی/ یادداشت‌های روزانه هوشنگ وزیری – شرکت سهامی انتشارات خوارزمی – صفحات ۱۲۲ و ۱۲۳

پیامبر اعظم(ص):

هر کس پدرمردی را به‌خاطر پیری او گرمی بدارد، خداوند او را از سختی و هراس روز قیامت درمان قرار خواهد داد.

احتمالاً خیلی‌ها با نام سریال تهران آشنا هستند که محصول رژیم صهیونیستی بود و به روایت یک قصه خیالی از عملیاتی جاسوسی در ایران می‌پرداخت. حالا

هندی‌ها هم یک فیلم ساخته‌اند به همین نام و موضوع آن جاسوسی و امنیتی است و اتفاقاً به مساله نزاع‌های ایران و اسرائیل مربوط می‌شود. در این روایت که اتفاقات آن به سال ۲۰۱۲ میلادی بازمی‌گردد، ترور دانشمندان هسته‌ای ایران، نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی را به انتقام از دیپلمات‌های اسرائیلی در ۳ کشور دنیا، از جمله هند وامی‌دارد. در جریان ترور اعضای خانواده سفیر رژیم صهیونیستی در هند، یک دختر گل‌فروش هندی در کنار خیابان جان می‌بازد و همین باعث غیرتی شدن یک افسر خوش‌هیکل و خوش‌تیپ و همه فن حریف هندی می‌شود و او رد عامل این ماجرا را که فردی به اسم افشار حسینی است می‌زند تا انتقام بگیرد و به همه نشان دهد که هند زمین تسویه‌حساب دیگران نیست. برای افسر اطلاعاتی ایران، برخلاف آن نیروی امنیتی هندوستان، بازیگر خوش‌قیافه و خوش‌هیکلی انتخاب نشده و او را آدمی می‌بینیم که در لندن یک خاخم یهودی را با شکنجه جلوی دوربین آورده تا متنی را بخواند و آن خاخم با لحنی حماسی در حالی که خون از دهانش می‌چکد زمزمه می‌کند که «زن‌ده باد اسرائیل!». هندی‌بازی‌ها ادامه پیدا می‌کند و آن افسر هندی به همراه ۲ نیروی دیگر به ایران می‌آیند، آن هم در حالی که دولت هند به دلیل یک قرارداد گازی با ایران، تمایل ندادار این انتقام صورت بگیرد. این ۳ نفر با هواپیما به آذربایجان و از آنجا به ابوظبی می‌روند تا بعد با قایق به تهران سفر کنند. تا به حال فیلم‌های زیادی درباره ایران ساخته شده که حتی عدم تطابق لهجه بازیگران و شمایل خیابان‌ها با شکل و شمایل واقعی ایران، موجبات تمسخر ایرانیان را فراهم آورده اما این نخستین بار است که هندی‌ها درباره ایران فیلم می‌سازند، آن هم در حالی که نمی‌دانند تهران یک شهر بندری نیست و با ساحل خلیج فارس یا دریای عمان چند هزار کیلومتر فاصله دارد! فارسی صحبت کردن بازیگرها هم به قدری ناچور است که سایت‌ها و کانال‌های منتشرکننده محتوا به فارسی، ناچار شدند این بخش‌ها را از روی زیرنویس هندی مجدداً به فارسی ترجمه کنند. اینکه شخصیت اصلی فیلم، یعنی آن افسر هندی هم پس از اینکه پایش به این ناکجاآباد یا به قول خودشان تهران باز شد، ناگهان به فارسی صحبت می‌کند، نقطه شگفتی‌ساز دیگری در فیلم است. سوال اساسی این است که یک مامور امنیتی چطور می‌تواند در حالی که زبان فارسی را نمی‌داند، برای مأموریتی مخفی و با ظاهر مبذل به ایران برود؟ سینمای هند به حل کردن این مشکلات با بی‌منطق‌ترین وجه ممکن شهیره است. او ناگهان فارسی حرف می‌زند و خب! لاید از قبل بلد بوده! سینمای هند در حاشیه ده‌ها فیلم عامه‌پسندی که سالانه تولید می‌کند، گاهی آثار فاخر و قابل توجهی هم دارد اما «تهران» چیزی است در حد ضعیف‌ترین و البته مضحک‌ترین آثار عامه‌پسند هندوستان. کلیپ‌هایی در فضای مجازی بین ایرانی‌ها وایرال شده که مثلاً در یک فیلم هندی، شخصی در حال فرار از چند قلچمق، ناگهان یک گوشه‌ای پیدا می‌کند تا خالی زیر لبش بگذارد. حالا قلچمق‌ها که او می‌رسند و نه تنها او را نمی‌شناسند، بلکه از خودش آدرس می‌پرسند. همسرش هم او را نمی‌شناسد. یا در کلیپی دیگر، کسی که به سمتش رگباری از گلوله شلیک شده، همه اینها را با دندان می‌گیرد و در دهانش می‌چرخاند و همان گلوله‌ها را با دندان شلیک می‌کند. فیلم «تهران» هم به لحاظ منطق در همان سطح و پر از صحنه‌ها و سکانس‌های اینچینی است، منتهای نکته عجیب ماجرا این است که در سال ۲۰۲۵ میلادی و افزایش آگاهی و گسترش تفدها به چنین بی‌منطقی‌هایی در سینمای هند، هنوز چنین اثری که قرار بوده کاربرد راهبردی داشته باشد، دیده می‌شود. فیلم را از سال ۲۰۲۲ کلید زدند و آرون گوپالان کارگردان آن است. جان ابراهام نقش افسر هندی را بازی می‌کند و هادی خان جانپور نقش افشار حسینی، نیروی اطلاعاتی ایران؛ کسی که قصابی آدم‌کش و یک همجنس‌باز معرفی شده. مشخص است که هندی‌ها برای ساختن چنین فیلمی، دسترسی درستی به هنرپیشه‌های ایرانی نداشتند یا کسی حاضر به همکاری با آنها نشده است. هادی خان جانپور هم یک هنرپیشه دست‌چندم است که قبلاً در سریال اسرائیلی «تهران» بازی کرده بود و چند نقش فرعی در تعدادی از فیلم‌ها و سریال‌های غربی دیگر بازی کرده، او متولد تهران است اما خانواده‌اش در میانه‌های جنگ ایران و عراق از کشور فرار کردند و به آلمان پناهنده شدند. باقی هنرپیشه‌ها هم از عوامل متوسط سینمای هندوستان هستند. با این همه آن چیزی که درباره فیلمی مثل تهران توجهات را می‌تواند به خود جلب کند، دلیل ساخته شدن این فیلم است. پس از توفان الاقصی که افکار عمومی همه جهان علیه رژیم صهیونیستی بسیج شد، تنها ۲ گروه در فضای مجازی نمود پیدا کردند که از اسرائیل حمایت می‌کردند؛

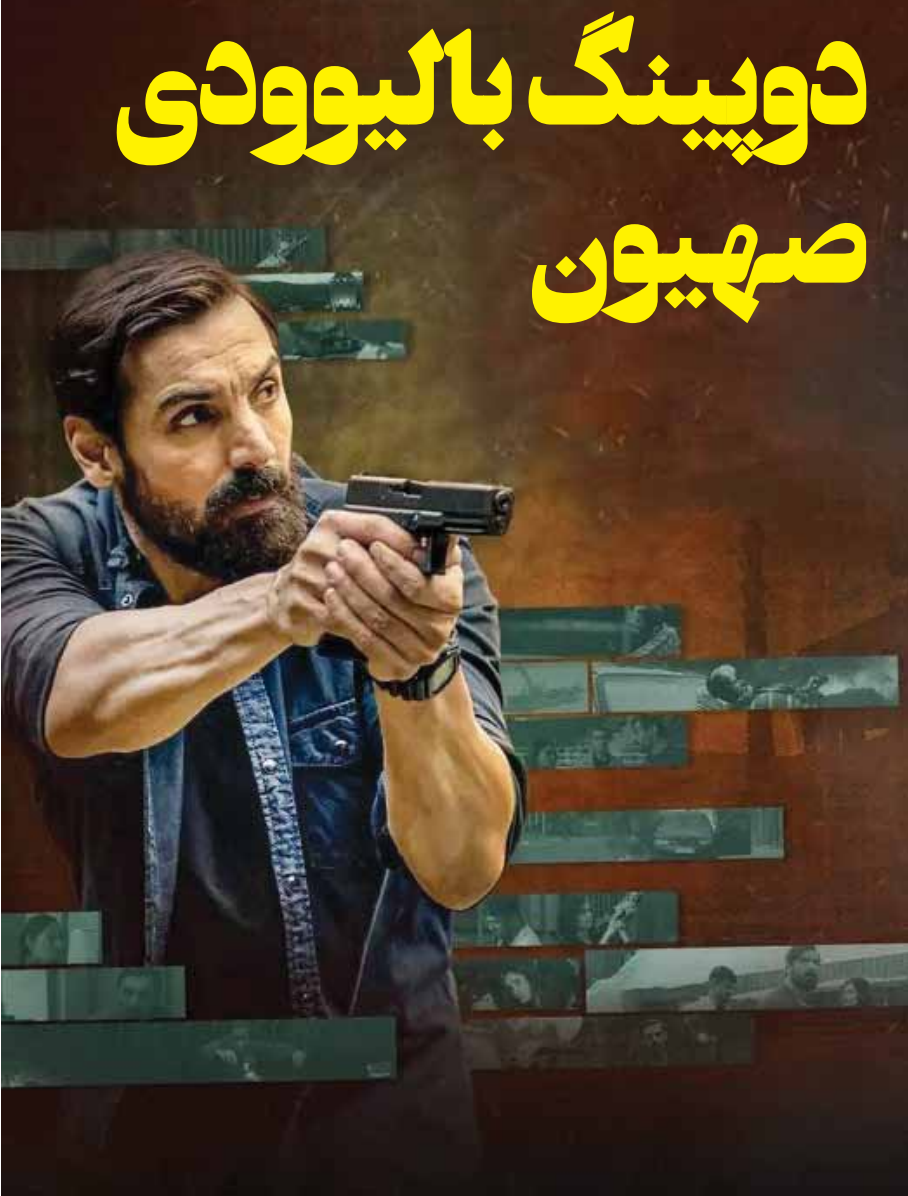
ایرانی‌های سلطنت‌طلب و هندوها، درباره سلطنت‌طلبان آگاهی کافی داریم و حتی این را می‌دانیم که نمود مجازی‌شان بسیار بیشتر از تعداد واقعی آنهاست. این گروه با دوپینگ‌های مجازی می‌توانند بدون مبالغه هزاران برابر بیشتر از چیزی که هستند به نظر برسند اما هندی‌ها چرا چنین رفتار می‌کنند؟ هند کشوری است که سال ۱۹۴۸ وقتی در مجمع عمومی سازمان ملل برای تشکیل اسرائیل رأی‌گیری شد، به این اتفاق رأی منفی داد. پس از آن در سال ۱۹۵۰ این رژیم را

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر (عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
 روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۲ نمابر: ۶۶۴۱۳۱۳۷
 پیام‌رسان: vatanemrooz@info پست الکترونیک: vatanemrooz.ir
 چاپ: موسسه جام‌چم برتر برنا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰
 سردبیر: سید عابدین نورالدینی

درباره فیلم هندی «تهران» که به نبرد امنیتی

میان ایران و رژیم صهیونیستی می‌پردازد



به عنوان یک کشور پذیرفت اما تا چند دهه روابط دیپلماتیک نداشت. هند حتی از سازمان آزادی‌بخش فلسطین حمایت می‌کرد و آن را به عنوان نماینده رسمی دولتی به اسم فلسطین قبول داشت. سالانه مبالغی به عنوان کمک نقدی هندوستان به فلسطین واریز می‌شد و در سال ۲۰۰۶ که کشور عراق درگیر جنگ شد و تعداد زیادی از آوارگان فلسطینی ساکن در آن بلا تکلیف شدند، این افراد در هندوستان پذیرفته شدند. پس آنچه امروز می‌بینیم و تولید فیلمی مثل تهران هم در همان بستر فهمیده می‌شود، چرا و به چه دلیل پدید آمده است؟ هندوستان امروز به پایتخت تولید اخبار جعلی درباره غزه تبدیل شده است. گزارش‌های جعلی درباره تجاوزکاری فلسطینی‌ها یا سر بریدن کودکان، با اینکه به‌راحتی با استناد به ساده‌ترین و واضح‌ترین گزاره‌ها ابطال می‌شود، توسط اینفلوئنسرهای هندی با بسامد بالا در فضای مجازی، خصوصاً توئیتر منتشر می‌شوند. باید پرسید قضیه چیست؟ آیا نظر مردم هندوستان کاملاً عوضی شده؟ آن هم در حالی که باقی افکار عمومی دنیا دقیقاً مسیری عکس این را می‌روند؟ با فهمیدن همین نکته است که می‌توانیم بفهمیم فیلم تهران چرا و با چه انگیزه‌ای ساخته شده و گروه مخاطبان هدف آن چه کسانی هستند؟ یک نکته مهم و قابل توجه دیگر این است که فیلم تهران از ۲۳ مرداد، در پلتفرم Z۵ (ZEE5) نمایش داده شد و روی پرده نرفت؛ یک VOD

هندی که به چند زبان در دسترس است. آنها در حقیقت فیلم را به شکل مجانی در اختیار کاربران قرار دادند و مشخص است که هدف از ساخته شدن آن به هیچ‌وجه تجاری نبوده، بلکه اهدافی سیاسی و تبلیغاتی را در پس آن باید جست‌وجو کرد. در ادامه به واکاوی این موضوع که چرا هندوستان باید چنین فیلمی بسازد و در میانه نزاع ایران و اسرائیل، طرف اسرائیل را بگیرد، از رهگذر پاسخ به این پرسش پرداخته شده که چرا و توسط چه عواملی، امروز هندوستان تبدیل شده است به پایتخت نفرت‌پرانی علیه اسلام و فلسطین و تولید اخبار جعلی در این باره چیزی که باعث شده بسیاری از مردم سراسر دنیا از جمله ایران تصور کنند مردم عادی هند، عموماً ضد فلسطینی و ضد اسلام هستند.

■ آیا هندی‌ها ضد آرمان فلسطین هستند؟

طی یک هفته حملات هوایی شدید اسرائیل به غزه تحت محاصره، حداقل ۲۱۲ فلسطینی، از جمله ۶۱ کودک، کشته و بیش از ۱۰۰۰ نفر دیگر زخمی شده‌اند. در کرانه باختری اشغالی، نیروهای اسرائیلی حداقل ۱۹ فلسطینی را که به اخراج اجباری خانواده‌های فلسطینی از خانه‌های‌شان اعتراض می‌کردند، کشته‌اند. همچنین حداقل ۱۰ اسرائیلی بر اثر شلیک موشک توسط جنگجویان حماس از غزه کشته شده‌اند». این بخشی از گزارش الجزیره انگلیسی است که اردیبهشت سال ۱۴۰۰ منتشر شد؛ مدت‌ها قبل از توفان الاقصی. در این گزارش آمده است: «به رغم اینکه اسرائیل به دلیل اقداماتش در شرق بیت‌المقدس اشغالی و ادامه بمباران نوار غزه با محکومیت جهانی روبه‌رو شده اما در هند از حمایت فعالان طرفدار دولت برخوردار شده است». این گزارش اضافه می‌کند طی همان یک هفته خونین غزه، هشتگ‌هایی در فضای مجازی هندی‌زبان علیه هندوستانی‌زن شده است. هشتگ‌هایی که مردم فلسطین را تروریست خطاب می‌کردند. گزارش الجزیره انگلیسی ادامه می‌دهد: «حمایت از اسرائیل در رسانه‌های اجتماعی، بیزه توئیتر و اینستاگرام، توسط اعضای ارشد حزب حاکم بهارتیا جاناتا (BJP) به رهبری ناندرا مودی، واکا و روزنامه‌نگاران و دیگران تقویت شده است، هندوستان به عنوان کشوری که خود طی یک مبارزه نفسگیر توانست از یوغ استعمار خارج شود و به طور طبیعی باید با دیگر ملت‌های تحت ستم حس همبستگی داشته باشد، نخستین کشور غیرعربی بود که سازمان آزادی‌بخش فلسطین را به عنوان نماینده رسمی این کشور پذیرفت. حتی گاندی، پدر بنیانگذار هند مستقل، قبل از شروع جنگ دوم جهانی و قبل از استقلال کامل هندوستان گفته بود «فلسطین به همان معنایی متعلق به اعراب است که انگلستان به انگلیسی‌ها یا فرانسه به فرانسوی‌ها».

هندی‌هایی که آن روزها خودشان برای استقلال می‌جنگیدند، به فلسطینی‌ها لقب «برادران در بند» داده بودند و در سال ۱۹۸۱ هم هندوستان تمبر یادبودی منتشر کرد که در آن سیر همبستگی این کشور با مبارزات فلسطین به تصویر کشیده شده بود.

آنچه امروز در هندوستان مشاهده می‌شود، حاصل سیاست‌هایی است

که از دهه ۹۰ میلادی پایه‌گذاری شد. هند از ۱۹۹۲ روابط دیپلماتیک

خود را با اسرائیل آغاز کرد. پیش از

این اقدام، همزمان با نزدیک شدن اتحاد جماهیر شوروی به فروپاشی، تصمیم گرفت در مدار غرب و خصوصاً آمریکا قرار بگیرد. این البته ایجاب نمی‌کرد که هندی‌ها نسبت به فلسطینی‌ها ابراز نفرت کنند و چنین وضعی که امروز دیده می‌شود، نتیجه روی کار آمدن یک حزب راست‌گرای افراطی در هندوستان به رهبری ناندرا مودی است. در ژوئیه ۲۰۱۷، مودی نخستین نخست‌وزیر هند بود که از اسرائیل بازدید کرد و در حال حاضر هندوستان با خرید ۴۷ درصد از صادرات نظامی اسرائیل، بزرگ‌ترین مشتری تجهیزات نظامی رژیم است.

اعضای این حزب راست‌گرای افراطی، هویت‌طلبی فاشیستی را که نیاز به دیگری‌سازی دارد بر ستیزه با مسلمانان بنا گذاشتند و نماد اسلام و مسلمین را فلسطین قرار دادند. البته در همان سال ۱۴۰۰ توسط بسیاری از کارشناسان عنوان می‌شد که مشخص نیست چقدر از مردم هند واقفاً با این موج اسلام‌ستیزی و دشمنی با فلسطینی‌ها همراه شده‌اند و این جمله‌ای کلیدی در فهم موضوع بود. به عبارتی آنچه به عنوان تصویر مردم هند در جهان دیده می‌شود و ستیزه‌جویی غیرانسانی و وحشیانه‌ای علیه فلسطینی‌ها دارد، نتیجه یک کار رسانه‌ای – سایبری است که توسط دولت هند و حزب حاکم بر آن سازماندهی شده و نمی‌تواند بازتاب‌دهنده نگاه واقعی مردم این کشور باشد. در همان یک هفته خونین غزه که مربوط به قبل از توفان الاقصی می‌شد، تجاسوسی سورریا، نماینده پارلمان از حزب بهارتیا جاناتا، که به خاطر لفاظی‌های ضد اسلامی‌اش شناخته می‌شود، در توئیتر نوشت: «ما با تو هستیم، قوی یمان، اسرائیل». توئیت او که در پاسخ به پستی از وزارت خارجه اسرائیل بود، نزدیک به ۵۰ هزار بار لایک شد. گوراو گوئل، سخنگوی حزب بهارتیا جاناتا از شهر چندبگار در شمال هند هم که مرتباً در حمایت از اسرائیل توئیت می‌کرد، روز جمعه تصویری از نیروهای اسرائیلی را توئیت کرد و نوشت: «اسرائیلی‌های عزیز، شما تنها نیستید، ما هندی‌ها قویاً در کنار شما ایستاده‌ایم.» این توئیت ۳۶۰۰ بار لایک شد.

হারدیک باوسار، یک کاربر توئیتر که ۱۳۴ هزار نفر از جمله نخست‌وزیر مودی و وزیر کشور هند او را دنبال می‌کنند، روز شنبه ویدئویی از یک برج بلند را که میزبان دفاتر تعدادی از رسانه‌ها از جمله الجزیره و استونیذپرس بود و در بمباران اسرائیل ویران شده بود به اشتراک گذاشت و هندی‌های مخالف نظامی‌گری اسرائیل را به سخره گرفت و نوشت: «هند در کنار اسرائیل ایستاده است». این توئیت هم تقریباً ۳۰۰۰ بار لایک شد. اینها همه در حالی است که هندوستان در حال حاضر با یک میلیارد و ۴۶۴ میلیون نفر، پرجمعیت‌ترین کشور دنیاست و توئیت‌هایی با ۳ هزار یا ۳۶۰۰ لایک یا حتی ۵۰ هزار لایک، هیچ کدام نمی‌توانند نماینده تمام افکار عمومی این کشور باشند. پیش از هندوستان در برزیل هم رخس ناگهانی یک حزب راست‌گرای افراطی به سمت تقویت روابط با رژیم صهیونیستی، توجهات را به خود جلب کرده بود و روی کار آمدن این حزب راست‌گرا در هندوستان با مورد برزلی مقایسه می‌شد. در تحلیل‌های آن دوره عنوان می‌شد «روابط نزدیک هند با کشورهای خلیج فارس مانع چرخش ناگهانی به سمت اسرائیل، به سبک برزیل می‌شود. با این حال، با عادی‌سازی روابط امارات عربی متحده با اسرائیل، این محدودیت از بین خواهد رفت». چرخ روزگار اما چنان شد که نتنها با پدید آمدن توفان الاقصی، پیمان ابراهام روی هوا رفت، بلکه در برزیل هم یک رئیس‌جمهور قیچ‌را روی کار آمد و معلوم شد مواضع دولت فاشیست قبل از سال ۲۰۲۲، بازتاب‌دهنده افکار عمومی برزیل نبوده است.

در هندوستان این سازماندهی سایبری علیه آرمان فلسطین، بعد از توفان الاقصی شدت بیشتری گرفت و نقطه کلیدی مربوط به آن، ساکت کردن صداهای هندی‌زبان حامی فلسطین در فضای مجازی بود. به عبارتی اگرچه ۵۰ هزار لایک در مقابل یک و نیم میلیارد جمعیت به هیچ‌وجه عدد قابل توجهی نیست اما اگر اجازه داده نشود باقی آن یک و نیم میلیارد نفر در حمایت از فلسطین حرفی بزنند، همین عدد ۵۰ هزار در صدر جدول اولویت‌های مردمی به تصویر غالب هندوستان در ویت‌رین جهانی تبدیل می‌شود.

اخیرا سواتی چائوردی کتابی منتشر کرده با عنوان «من یک ترول هستم» و در آن درباره ارتش آنلاین حزب بهارتیا جاناتا در رسانه‌های اجتماعی بحث می‌کند. یکی از مصاحبه‌شونده‌های او به نام سادای خوسلا در این کتاب می‌گوید: «حزب بهارتیا جاناتا شبکه‌ای از داوطلبان دارد که از واحد رسانه‌های اجتماعی و سازمان وابسته به آن دستور می‌گیرد تا صداهای منتقد را ساکن کنند».

این وضعیت پس از خریداری توئیتر توسط ایلان ماسک و تغییر نام آن به پلتفرم ایکس، شدت خیلی بیشتری پیدا کرد تا جایی که اتحادیه‌ای روپایی هم درباره سیل اطلاعات نادرست درباره حمله حماس به اسرائیل در X، به ماسک هشدار داد. ایلان ماسک به شکلی واضح و عمدی برای دروغ، نفرت‌پرانی و ترویج خشونت که مغایر با قوانین X هستند، درباره مساله اسرائیل و فلسطین، به نفع اسرائیل استثنا قائل شد و به این ترتیب دست فاشیست‌های تندرو هندو را باز گذاشت تا حامیان سایبری رژیم صهیونیستی باشند.

تولید فیلمی مثل تهران در هندوستان با هزینه هنگفت و توزیع تقریباً رایگان آن، تلاشی از طرف همین حزب حاکم بر هند است جهت تقویت روابط با اسرائیل و ا قناع افکار عمومی هند در این موضوع. با این حال در شرایطی که افکار عمومی سراسر دنیا نفرت بی‌سابقه‌ای در نسبت به رژیم صهیونیستی بروز داده‌اند و حتی در جوامع آرام و محافظه‌کاری مثل استرالیا که کمتر پیش آمده یک تظاهرات عمومی را به خود ببینند، صدها هزار نفر در حمایت از آرمان فلسطین به خیابان می‌آیند، بسیار بعید است که مردم هیچ تأثیری از مواجهه با این اخبار و تصاویر جانسوز نگرفته باشند و فیلمی مثل تهران بتواند در ذهن آنها دستکاری خاصی انجام بدهد. تنها کافی است که این سازماندهی قدرتمند و ثروتمند در فضای مجازی هندوها از میان برود تا حقیقت افکار عمومی هندوستان آشکار شود.